

صفرا کاشان - ایضا جناب اشرفیان من طاعت مولانا سید  
بانگ یون قد حضرت رسول شریف میفرمودند ایما شمس موسم  
گردید و امر جانک مستانید بیاکرون سفره دهانید و در حضرت  
ایضا

صفرا بواسطه جناب اشرفیان جناب اشرفیان حضرت من ادا شد  
در عدم وصول مستانید ایضا جنر قصور بواسطه مواعین جانک و شبایت  
ایضا

صفرا طران - ایضا جناب اشرفیان کاشان بیان حضرت علی  
در خصوص نسخ مکتب نظر بانگ اعیان نسبت مکتب سیاسی کجی و او بود  
صفرا طران - ایضا جناب اشرفیان من اهل القاف بیان شفق الهی  
بانگ یون اهل ایران از عهد الهی و سزاوارند مبارک است بجزو یک  
و که آنجا بانگ نور حقیقت ایضا ایران اشرفیان لیدر حسایر اهل القاف  
صفرا طران - بواسطه جناب اشرفیان من اهل القاف بیان شفق الهی  
کاشانی طاعت یون ایمن بیان ایضا اهل القاف قولی اهل القاف  
یکایک گفته مذکور آن حضرت شایسته که در قیام مبارک فاران  
حسرت صد قیام آن اشرفیان اهل القاف کردید

صفرا بواسطه جناب اشرفیان من اهل القاف بیان شفق الهی  
مستانید و فیصل خود بودت کاشان کاشانی بیان ایضا  
صفرا بواسطه حضرت این اشرفیان اشرفیان کاشانی بیان مبارک  
بشرف ایضا و حضرت این اشرفیان اشرفیان کاشانی بیان مبارک



صفحه ۳۲ باقیه جناب میرزا علی اکبر خانی باین طعنت باین مدعا که آقا علیه  
 تر حکم عالم غیب درین باره امرت نموده و هر چه در پیشتره شریف  
 آمده دیگر معلوم است چنانکه در طلب و نظر آید

صفحه ۳۳ ساری باقیه جناب میرزا حسن انصاری علیه السلام در مدعا میرزا  
 اسمعیل میرزا حبیب الله انصاری حضرت مصلح القرون علیه السلام علیه السلام  
 عهد الحقاء و حق مشایخ و در ذیل لوح مبارک که در جنابیت و حق علیه  
 صفحه ۳۴ ساری باقیه جناب میرزا علی اکبر حکیم خلیل شاه صاحب آرا طعم  
 حقایق حضرت استوت و حق مشایخ علیه السلام آید

صفحه ۳۵ بواسطه جناب امین جناب میرزا فضل الله خضیر حقایق العوالم  
 استقامت مشایخ و اخبار ضایع

صفحه ۳۶ باقیه میرزا نصر بن علی شاه صاحب طعنت از میرزا  
 فضل حضرت عبدالعزیز و حق امیر با فضل ایشان

صفحه ۳۷ بواسطه جناب ناصر افروز خانی باقیه از آراء و عقاید خانم  
 بطور جنابیت آنقدر منزه و در حق مشایخ

صفحه ۳۸ در مشق آثار بواسطه جناب میرزا محمد حسین حکیم باقیه و جناب  
 منقر الملک بیان طعنت باین اینکه بر دو جنابیت و حروریات و حقیقت  
 دانستند محال باین است

صفحه ۳۹ بیعت باقیه جناب منقر الملک طومر جنابیت حضرت عبدالعزیز  
 نسبت آید و عدم حوازه شرف ایشان منقش بر جبهت مجسمه بیوه باین

صفحه ۴۰ باقیه جناب سعید الملک طومر حروریات جناب تر افغان در مدعا  
 صفحه ۴۱ بواسطه جناب امین انصاری علیه السلام مدعا علیه السلام جناب منقر  
 بیان حضرت عبدالعزیز و اینکه در این کو فیضیم ما صاحب کبیر بر بیاض  
 در شا و بیخ و دامه باین فرموده

صفحه ۴۲ بواسطه جناب عبد الله باقیه حضرت منقر علیه السلام بیان حضرت  
 نیروز امین باین بیان اعلیٰ خلق قول باینکه ... حضرت بر دو قسم است  
 یکی خلق بی علم مسلمانان دارد و دیگری خلق بی علم بتلوی ... و اینها  
 عبد الله باقیه مودعه و آراء منقر و حضرت ... و اول نصیحت حضرت  
 در تائید آقا می است که شصت و هشتاد است

صفحه ۴۳ طویل بواسطه جناب امین انصاری علیه السلام باقیه جناب منقر بیان  
 طعنت باینکه استقامت حقیقی در ایمان و توحید آیت الله علیه است

صفحه ۴۴ بواسطه جناب امین انصاری علیه السلام باقیه جناب منقر علیه السلام بیان  
 حضرت عبدالعزیز و اینکه در این مدعا که نصیحت اهل حق چنانی است  
 و مودعه اشراق بر اثر انفس بی شرف و غریب عالم

صفحه ۴۵ طویل بواسطه جناب امین انصاری علیه السلام باقیه جناب منقر علیه السلام  
 بنماجات علم حقایق آیت الله علیه و طلب آید و حق مشایخ

صفحه ۴۶ بیان عنوان بیان طعنت باینکه حضرت علی علیه السلام آیت الله  
 مجرب است و فرود آمدن سر بر نظر حق و با وجود اسادت اخیال  
 سلطنت مدعیانی بر سر او

قمر شایق تیر افاق و کعب حضرت و حق بدو بادشایید  
 صفر ۲۰ بواسطه فتنه جناب میرزا ابی طالبانی بیان حضرت علیه السلام  
 در چند حکومت ایران استخوانی استخوانی بر دل جلوه یافته و در صورت  
 انقراض و انهدام گردید و اجازت نشد حضرت حضرت شایق  
 صفر ۲۱ در آنجا جناب امیر علی طالبانی نزول مناجات آنحضرت  
 علیه السلام در تقویس و تفسیر فواید حدیث و در ذیل لوح مبارک ظهور  
 عبادت و حق بر او بادشایید با حق آنجا  
 صفر ۲۲ بواسطه حضرت ارباب آنجا و اجازت طالبانی بیان بیان حضرت  
 یزدان را یکدیگر چون شمس شمسیت فذائق ایران لوح نموده اند اما این را  
 با یکدیگر این دو جهت متضاد فی نفسی ظاهر گردید که نیست مجلس  
 عالم انسانی کرد  
 صفر ۲۳ ق بواسطه جناب کبیر اجازت طالبانی نزول مناجات ازیر و حق  
 سبب آداب و کعب آید و حق آن  
 صفر ۲۴ طالبانی بواسطه جناب ارباب آنجا جناب میرزا ابی طالب  
 فضل از جناب امیر علی طالبانی جناب امیر حسین جان  
 امیر علی و سایر دوستان بیان مرکز حدیثی است که هر چند از  
 مورد انار بخانید و در جوانی مستحق دلیرانند اید صمد و مجبور باشند  
 تقدیر از ثبات داشتند جناب میرزا ابی طالب آنجا و محو صانع جلیل ربانی

صفر ۲۵ طالبانی بواسطه جناب امیر محمد جناب میرزا فضل  
 جناب میرزا اسحاق جناب میرزا عبد القیوم جناب امیر اسمعیل است و در آنجا  
 است حضرت خانقون انهدام حضرت است و در آنجا  
 و امام کرم شایق این ترانه بیان آنرا شرف قدوسی از ای باران  
 صیبا ی شایق داشتند اشراق اید . . . بایر جان شود و سخن  
 ظاهر نماید که خانه خندان را بنیاد و قریه آید . . .  
 صفر ۲۶ در آنجا جناب آنجا مناجات آنحضرت مرکز شایق و حق علیه  
 لوح و ظهور حکومت و حق میرزا اسحاق خان و جناب میرزا محمد بیگ نیک  
 و جناب میرزا عزیز وقت خان  
 صفر ۲۷ طالبانی بواسطه جناب امیر حضرت امیر امیر علی ایلی  
 نزول مناجات ازیر امیر علی حضرت سبحان و کعب آید و حق آنجا  
 صفر ۲۸ خمس آنجا جناب آنجا آنحضرت نزول مناجات از  
 کلمات گویا مرکز حدیثی و حق مست اید و کعب آید و در ذیل لوح  
 مبارک خطاب بواسطه حضرت امیر امیر امیر علی ایلی و مشروط بودن  
 ایلیان  
 صفر ۲۹ آنندان آنجا را بر علی کبیر علیه السلام مناجات آنحضرت  
 تیر افاق و اجازت شفاء و حق مشاهد  
 صفر ۳۱ آنجا جناب میرزا علی کبیر آنجا آنحضرت علیه السلام  
 از خدمت مهربان با عهد از قطع نمای آنحضرت از حکومت اجود

صفر ۳۴ ط آنقدر جناب محمد علی ملت شیاق این بیان اعلیٰ اقر فرماد  
 قبل نماز ۳۵... بعد از صیبت کبری صومرا اقرت مو صبت  
 حلقی است  
 صفر ۵۳ ط آنجا جناب محمد علی من اول کاف مناجات سلامت محمود  
 بکاه حضرت اعتدیت دیوار و منور و منور و دیوار و دیوار و منور و منور  
 صفر ۵۴ ط آنقدر جناب محمد علی من اول کاف و منور و منور و منور و منور  
 آنکی نزل مناجات از برادر شیاق آنکی و طلب پند و حق احوال  
 صفر ۵۹ ط آنجا جناب محمد علی الهی جناب محمد رضا ذکر نظم  
 شیاق از دست اخیری است بعد در این مخصوص و کلمه جناب است  
 حق خود میباشان  
 صفر ۵۸ ط آنقدر جناب محمد علی من اول کاف میسین آیت این کلمه  
 دریا است اعلیٰ قول فرمایند ۳۰... این کلمات از بعد از او حضرت  
 اعلیٰ درین لفظ و تا سخی فرماد... در آن روزی این عهد نیست  
 که فرمایند سخن آیم تا یوم الغیام بمیری کرده... (مضمون تحقیق  
 و صا میست)  
 صفر ۶۰ ط آنقدر و الله جناب محمد رضا و الله الرحمن طور جناب  
 حضرت عهد و بیبا... در حق نیست ایبا... هر یک از الله و الله  
 صفر ۶۱ ط آنقدر و الله و الله و محمد رضا جناب علم شیاق آنکی در حق  
 منور ایبا

صفر ۳۴ ط آنقدر جزیره جناب سید ابان حضرت محمد باقر  
 عهدیت حضرت آج مناجات حضرت منور  
 صفر ۳۵ ط آنقدر و منور و منور و منور و منور و منور و منور  
 در حق منور ایبا  
 صفر ۳۶ ط آنقدر و منور و منور و منور و منور و منور و منور  
 شیاق از صیبت دادند  
 صفر ۳۷ ط نزل مناجات حضرت در حق آنکی منور و منور و منور و منور  
 صفر ۳۸ ط آنجا جناب سید مرتضی منور و منور و منور و منور  
 حضرت عهد و بیبا... در حق آنان و نزل مناجات طلب آید  
 صفر ۳۹ ط آنقدر جناب محمد علی شیاق نیز آفاق این بیان آنکی  
 قول حضرت زمانه ۳۰... این عهد است و این شیاق شیاق  
 نیز آفاق... این بیان خدا و منور است شیاق شیاق  
 صفر ۴۱ ط آنقدر جناب محمد علی من اول کاف بیان سلامت شیاق پسند  
 در حق حضرت منور و منور و منور و منور و منور و منور  
 صفر ۵۰ ط آنجا جناب محمد علی من اول کاف منور جناب کبری در حق  
 منور و بیبا... ایبا... هر یک از الله و الله  
 شخص اخص اقرت منور  
 صفر ۵۲ ط آنقدر جناب محمد علی من اول کاف نزل مناجات بکا حضرت  
 فاضل مناجات از برادر شیاق آنکی و طلب آید در حق کوهستان

صفر ۶۱ ط ایضا جناب حسین را این نام موعظی بیان طلعت شایق  
 خصوص در حدیث آیت تجلی جمال حسین در کل شیخی  
 صفر ۶۲ ط ایضا جناب سید امین را موعظی طور که حضرت  
 امین را در حدیث در حق مشایخ  
 صفر ۶۳ ط ایضا جناب عنایت امین را موعظی طور عنایت  
 حضرت عباس (علیه السلام) در حق مشایخ در حدیث  
 صفر ۶۴ بیان عنوان نصیحت طور شایق بمخاطب لوج در  
 آنرا در کتب اربعه و تفسیر در بیان آیت الهی  
 صفر ۶۵ بیان عنوان نصیحت طلعت مجربیت مشایخ  
 جنود در صراط محمد و استقامت در شایق الهی  
 صفر ۶۶ بیان عنوان مناجات طم شایق مساحت قتل الهی  
 و نظیر لغزس از ششون سوی و جنود در صراط الهی  
 صفر ۶۷ بیان عنوان طم عنایت شایق الهی در حق مشایخ  
 پیوسته ۶۸ ایضا جناب امین را موعظی بیان حضرت  
 امین را بیان معلق قول الامامی «... آنرا که با هر چه بود آنکه  
 - المانی از تفسیر و دعوی سموت و نقل لواء کرمی جامع شریف  
 که تفسیر جمال و کشفانی همان مستند ...» و در بیان لوج  
 ممالک تسلیمت اربعه و نظیر استایا  
 صفر ۶۹ بیان عنوان (ای اقدس) شایق طم شایق استایا است

نور ۷۰ در صبح بر عهدگی  
 صفر ۷۱ مصر ایضا حضرت ابی الفضائل بیان طلعت شایق  
 به وصل کتاب استایا در حدیث بر موعظی علی السلام و طلب کاتبه در  
 حق ایشان  
 صفر ۷۲ ایضا جناب امین را موعظی بیان طلعت مجربیت  
 تزلزل چشم برکت امین را موعظی در حدیث که بحسب موعظی انانیت  
 هندوستان کرده اند  
 صفر ۷۳ بیان بر اصطحاب موعظی کاتبه فی جناب امین که در  
 بیان مفسر آیت الیه و خصوص ایگه موعظی سالف را در اصطحاب  
 قبل شرافتی مقرر در بیان شرافت زبور بر حسب موعظی که در  
 در انفس منجیب می باشد و در این طور اصطحاب موعظی موعظی  
 حضرت علی مشروط بر شرافتی در مسائل که با اینها انانیت موعظی  
 مستند و خود را بر این طور موعظی موعظی موعظی موعظی  
 بر روی خبر حضرت علی تبری است و در حدیث بیان موعظی موعظی  
 در حدیث بر حدیث موعظی موعظی موعظی موعظی موعظی موعظی  
 سید موعظی  
 صفر ۷۴ موعظی ایضا جناب استاد موعظی تفسیر و جناب  
 استاد حسین امین علی موعظی موعظی موعظی موعظی موعظی  
 طم عنایت و مناجات موعظی موعظی موعظی موعظی موعظی موعظی

جناب حضرت پادشاه و حق است بامر و ولایت آید  
 سفر ۱۰ رشت آنقدر از شایسته است جمیع سزا محض علی بن خورشید است  
 عیوب است ایام و امر توفیق بگوشت است  
 سفر ۱۱ رشت آنقدر از آید صلح جناب میرزا محمد علی خان شهادت علم  
 و بیایق خیر و داری جناب خان در آستانه تقدیر است که آنرا در آنجا  
 سفر ۱۲ طران بواسطه علی صفر شیرازی صلح امیر محمد علی خان در شیراز  
 ظهور جناب حضرت عبداللہ و حق است ایام  
 سفر ۱۳ رشت آنقدر جناب میرزا محمد علی بن پادشاه حضرت پادشاه در  
 استقامت آنی مستقیم است سزا حد نصیب و کفایت جلالت آنست  
 سفر ۱۴ چ آنکه از آنجا جناب میرزا محمد علی خان نصیحت تم شیخ  
 از آنکه شستیم که سزا کسب از و از الحاد آنکه کفایت است  
 سفر ۱۵ آنقدر جناب میرزا محمد علی خان نصیحت حضرت عبداللہ و شایسته  
 و تربیت آنست و شرف کفایت است  
 سفر ۱۶ آنقدر از آن حضرت و والد و در وقت مؤلفه مشیر جناب میرزا  
 اسمعیل پادشاه آنقدر آنکه جناب میرزا اسمعیل در مرتبه بزرگ است  
 بقدر شکست مؤلف و با ایام از قبل آنجا بایست نمود  
 سفر ۱۷ آنقدر از آنجا رشت عروا پادشاه پادشاه پادشاه و پادشاه  
 سزا حد همان حد و شایسته است ذکر کرده بود لذا سزا حد  
 اصل توفیق کرده و در این که چشم شیخ آنقدر در کمال حضور شایسته است

سفر ۱۸ رشت آنقدر از آنجا آنقدر پادشاه حضرت عبداللہ و در علم بقای  
 حیات و توفیق و سزا حد ایام و در این جمیع سزا حد نصیحت ایام  
 است شغل بایست است  
 سفر ۱۹ آنقدر از آنجا اسمعیل شیخ پادشاه حضرت پادشاه در علم بقای  
 کتب این جمعی است ایام و آنکه در اصل بقای خود میباش  
 سفر ۲۰ رشت آنقدر جناب میرزا محمد علی حضرت عبداللہ ایام  
 پادشاه علی خان قول فرموده که اگر در اینجا کفایت شغل آنقدر که  
 خواهی در این است ایام و حق است ایام  
 سفر ۲۱ رشت آنقدر جناب شیخ میرزا پادشاه پادشاه در صلح ایام  
 توفیق و شرف شغل  
 سفر ۲۲ رشت آنقدر از آنجا میرزا اسمعیل پادشاه حضرت عبداللہ  
 آنکه کفایت شغل پادشاه ایام در آنجا شغل سزا حد و آنکه  
 سفر ۲۳ در وقت کسب آنقدر از آنجا حضرت پادشاه ایام  
 صلح ایام  
 سفر ۲۴ آنقدر از آنجا میرزا محمد علی و آنقدر از آنجا نصیحت علم شایسته است  
 بجهت سزا حد فرزندش بگوشت است  
 سفر ۲۵ بواسطه جناب میرزا اسمعیل جناب میرزا محمد علی خان گوران ایام  
 حضرت پادشاه ایام شکر و پادشاه آنقدر بجهت شایسته است  
 سفر ۲۶ بواسطه جناب میرزا اسمعیل جناب میرزا محمد علی خان شایسته است

مشرق آباد و قتل حضرت سید عثمان مشرق آباد

صفر ۶۹ ط آفتاب رسته علی محمد جناب میرزا حسین جناب میرزا  
 عبد الرحیم نور کرست سلامت شایق در علی محمد رحمت طارای از غزوات  
 صفر ۷۶ آفتاب جناب میرزا حسین نصیرت حضرت عبدالعزیز  
 پستش ایام دهام آگایس آسایش نیوی  
 صفر ۷۶ ط بواسط حضرت سید محمد خلیفین راجع الی الله تعالی که  
 طو رحایت بیان آگهی مشایخ الیوم بمشرق مشرف بکشمیر میرزا سلطان  
 مکر کتاب اجمت نظم و میثاق در این ده نظم  
 صفر ۷۶ ط آفتاب جناب میرزا حسین بن جناب شاد محمد علی کاشانی  
 طاری سزا بیان حضرت عبدالعزیز ایقدر ارسال حضرت کاشانی است  
 مستحق نه در منزل لوج مبارک آفتاب رحایت بیان جناب شاد محمد علی  
 صفر ۷۶ تبریز بواسط جناب میرزا عبدالعلی آفتاب فضل در علی صالح  
 بیان طلعت بیان در اینک و آلمان تواره قتل بود و دستند و  
 قتل لوج مبارک منزل شاد رحایت و طلب آید در حق آنان  
 صفر ۷۶ آفتاب جناب شاه السلطان مکر رحایت صالح منزل جناب  
 ازیرا شایق آگهی و طلب آید در حق مشایخ  
 صفر ۷۶ بواسط سید عبدالعزیز علی جناب مشرف رحمت الله  
 و جناب آفتاب طالع بیان طلعت بیان در خدمت آسایش این  
 بیان که طاقبت مشرف خلیفان شود و جانیف ای و بیست حضرت و

مشرق حضرت جاهدانی

صفر ۷۶ بر طو جناب امیر عبدالعلی سید کوفی میانی جناب علی  
 بیان مرکز عبدالعلی در حضور بودان نور مست که سید خانی محمد و ملک  
 علی کاشانی آگهی در طو و در طو ای مرده داده و آخر زنده نماید  
 صفر ۷۶ میانی آفتاب جناب امیر عبدالعزیز امیر این حضرت عبدالعزیز  
 در اینک نور سوزان مشرق در طو در یکجا سخن جمع شوند و در طو  
 طو ای استنفا بکند کرد  
 صفر ۷۶ تبریز بواسط جناب امیر عبدالعلی سید کوفی میانی  
 جناب عبدالعزیز رحایت شایق آگهی در حق مشایخ و در منزل  
 شاد رحایت طلب آید  
 صفر ۷۶ میانی آفتاب جناب عبدالعزیز رحایت ازیرا حضرت عبدالعزیز  
 و طلب آید از نگاهت بود در حق مشایخ  
 صفر ۷۶ تبریز بواسط امیر عبدالعلی سید کوفی جناب امیر  
 میانی بیان طلعت شایق و هجوم الطائف نیز شایق با در حق نور سوزان  
 و در تقیام در خدمت امیر آگهی  
 صفر ۷۶ قدون بواسط حضرت حکیم میانی امداد و آفتاب امیر علی  
 منزل شاد رحایت طلب حضرت ازیرا در شایق در حق امداد و در منزل  
 ظهور حکایت در حق مشایخ و جانی میانی  
 صفر ۷۶ طران بواسط جناب امیر حضرت صلوح آید این عرب طو



کامیابی بیان حضرت عبدالعزیز و ترقی عقول و ادراج بواسطه اظفار  
 آکنی و ظهور آفتاب غیبه در قریب ایام حضرت جده الکبری  
 بیع و شرفی عظیم  
 ۱۰۴ بواسطه جناب حاج حسین خضنفر این خضنفر از فرزند جناب  
 کاخانی ملاحظه بیان حضرت عبدالعزیز در شب است مندرجه در  
 جوف لیل و خصوص ظهور حقیقت و ذکر حدیث کلامی و القوان  
 فی الطاهر  
 ۱۰۲ فریب بواسطه جناب حکیم جناب میرا بقدر کوشش توصیف  
 قلم حیاقی از منظور رسیده  
 ۱۰۵ طران باختر جناب محمد علی کاشانی و جناب میرزا علی محمد  
 زبانه و مکر صورت از نگاه آکنی مشمول نماید در حق صدق و حقیقت  
 حضرت و باره و الله محمد قبل علی و برادر است رایج  
 ۱۰۶ آفتاب و حضرات ذوی القربای جناب ناصر میرزا علی محمد علی بیابان  
 علمت چون تفرقی و ترقی و انقیاد از این زمان بر سر قریب در جمیع  
 مشنون و خلقت اهل عالم از حضرت سودا این ترقی  
 ۱۰۹ آفتاب جناب ناصر ظهور عبادت حضرت عبدالعزیز و حق شایسته  
 ۱۰۹ قی باقی است و حسیب بیان علمت بیان اینکه جناب میرزا  
 طرازی در وصف صاحب مکر است این لفظ بوده همچنین ظهور کرم و حق  
 و قدر و حقیقت تغییر و دست نویسی خاتون جهان

۱۰۹ بواسطه آفتاب از فرزند حضرت عبدالعزیز و ترقی عقول و ادراج بواسطه اظفار  
 آکنی و ظهور آفتاب غیبه در قریب ایام حضرت جده الکبری  
 بیع و شرفی عظیم  
 ۱۰۴ بواسطه جناب حاج حسین خضنفر این خضنفر از فرزند جناب  
 کاخانی ملاحظه بیان حضرت عبدالعزیز در شب است مندرجه در  
 جوف لیل و خصوص ظهور حقیقت و ذکر حدیث کلامی و القوان  
 فی الطاهر  
 ۱۰۲ فریب بواسطه جناب حکیم جناب میرا بقدر کوشش توصیف  
 قلم حیاقی از منظور رسیده  
 ۱۰۵ طران باختر جناب محمد علی کاشانی و جناب میرزا علی محمد  
 زبانه و مکر صورت از نگاه آکنی مشمول نماید در حق صدق و حقیقت  
 حضرت و باره و الله محمد قبل علی و برادر است رایج  
 ۱۰۶ آفتاب و حضرات ذوی القربای جناب ناصر میرزا علی محمد علی بیابان  
 علمت چون تفرقی و ترقی و انقیاد از این زمان بر سر قریب در جمیع  
 مشنون و خلقت اهل عالم از حضرت سودا این ترقی  
 ۱۰۹ آفتاب جناب ناصر ظهور عبادت حضرت عبدالعزیز و حق شایسته  
 ۱۰۹ قی باقی است و حسیب بیان علمت بیان اینکه جناب میرزا  
 طرازی در وصف صاحب مکر است این لفظ بوده همچنین ظهور کرم و حق  
 و قدر و حقیقت تغییر و دست نویسی خاتون جهان

صفحه  
 ۱۲۰ برسط جناب میرزا لطف الله دارالعلوم جناب میرزا آقچه دادو  
 حضرت غایت در کفایت و در حق مشایخ و ورعیان و ایدادین  
 ۱۲۱ برسط آقا میرزا اوی افغان شریف جناب محمد تقی میرزا است  
 غلامت جان در علم امر نیز در جمع آفاق جسم و ذرات علم و در کفایت و در حق  
 ۱۲۲ برسط جناب میرزا آقچه جناب غلام حضرت محمد تقی در اصفهان حضرت  
 من عارف حلاله آقا در کفایت استخوان وضع انچه ضعیف و استقامت  
 انچه در خصم و حقیقت انچه  
 ۱۲۳ برسط جناب زین العابدین دارالعلوم جناب محمد رضا میرزا آقچه  
 معجزه اگر کتب سلیمان و در کفایت و در علم و در حق استخوان علم  
 غایت حضرت عبد الله در حق آفاق و علم و کفایت در ایداد و در حق  
 اگر کتب سلطان و در حق ایداد و کتب کفایت محمد تقی در ایداد و در حق  
 کتب و کفایت و در ایداد و کتب  
 ۱۲۴ برسط جناب میرزا آقچه جناب محمد رضا میرزا لطف غایت حضرت  
 میثاق در حق مشایخ و کفایت و در ایداد حضرت استخوان و در حق  
 انچه حضرت نظر بر ایداد و کتب استخوان و در ایداد و کتب و در ایداد  
 ۱۲۵ برسط جناب محمد رضا میرزا آقچه حضرت عبد الله در ایداد  
 از علم میثاق آقچه در کفایت مشایخ و کفایت مشایخ و کفایت مشایخ

صفحه  
 ۱۲۰ برسط جناب میرزا آقچه جناب مصطفی بن ابن میرزا محمد تقی علم و کفایت  
 حضرت غایت و در حق مشایخ و کفایت و در ایداد و کتب و در ایداد و کتب  
 ۱۲۱ برسط جناب میرزا آقچه جناب محمد تقی میرزا است  
 غلامت جان در علم امر نیز در جمع آفاق جسم و ذرات علم و در کفایت و در حق  
 ۱۲۲ برسط جناب میرزا آقچه جناب غلام حضرت محمد تقی در اصفهان حضرت  
 من عارف حلاله آقا در کفایت استخوان وضع انچه ضعیف و استقامت  
 انچه در خصم و حقیقت انچه  
 ۱۲۳ برسط جناب زین العابدین دارالعلوم جناب محمد رضا میرزا آقچه  
 معجزه اگر کتب سلیمان و در کفایت و در علم و در حق استخوان علم  
 غایت حضرت عبد الله در حق آفاق و علم و کفایت در ایداد و در حق  
 اگر کتب سلطان و در حق ایداد و کتب کفایت محمد تقی در ایداد و در حق  
 کتب و کفایت و در ایداد و کتب  
 ۱۲۴ برسط جناب میرزا آقچه جناب محمد رضا میرزا لطف غایت حضرت  
 میثاق در حق مشایخ و کفایت و در ایداد حضرت استخوان و در حق  
 انچه حضرت نظر بر ایداد و کتب استخوان و در ایداد و کتب و در ایداد  
 ۱۲۵ برسط جناب محمد رضا میرزا آقچه حضرت عبد الله در ایداد  
 از علم میثاق آقچه در کفایت مشایخ و کفایت مشایخ و کفایت مشایخ

صفحه حضرت  
 واذن حضرت  
 ۱۴۹ تیز آید حضرت مجید اردیبه چایسان حضرت میان حضرت بقیه  
 حوادث از زمانم زمانه گفتات بود و هم تفسیر لغتنامه خاندان قدیم و در ذیل لوح  
 نگاشته در قدیم حضرت اردیبه  
 ۱۵۰ اردیبه پنجم چایسان و حیدر حضرت عبدو و کوهن باکت از کوه  
 و نگاشته در اوج کوه است  
 ۱۵۱ تیز اردیبه در خطه آه میرزا احمد بیچ چایسان چایسان حضرت اردیبه  
 تیز آفاق مشایخ باکت و اردیبه کوشینان  
 ۱۵۲ تیز اردیبه پنجم چایسان حضرت چایسان حضرت تیز آفاق  
 در خصوص بعضی کبر و حقوق است در همین است در فضیله و مقامات بطور  
 بش است حضرت اول مائیل و کائنات برضا و خصوص چشم و شعر  
 در همین است و هم در جلد تفسیر در حقوق است و شعر یک سر بر خطه  
 ۱۵۳ اردیبه پنجم چایسان میرزا یوسف خان نصیرت بقیه حضرت تیز آفاق  
 بشایه تیز آفاق اردیبه و مقامات خاندان  
 ۱۵۴ در خطه حضرت آه میرزا بیچ کوه آه کوه چایسان میرزا یوسف  
 اردیبه حضرت عبدو پنجم چایسان در شعر گفتات است در شعر بر خطه  
 حضرت حیدر در کوه است بقیه

صفحه تیز اردیبه پنجم حضرت حیدر چایسان حضرت بقیه  
 تیز آفاق این چایسان کوه آه کوه با کوه میرزا بیچ کوه است  
 قندهار است  
 ۱۴۹ در خطه چایسان حیدر اردیبه چایسان میرزا یوسفی حیدر است  
 حضرت حیدر پنجم در خصوص حضرت حضرت از سافرت کوه است  
 و نقل گفت بقیه این است بقیه حضرت حیدر  
 ۱۵۱ تیز اردیبه پنجم چایسان حیدر چایسان حضرت بقیه از سافرت  
 سفر سید و حاج زید بیک آه حیدر است  
 ۱۵۲ آه کوه اردیبه پنجم حضرت حیدر چایسان حضرت حیدر  
 حضرت حیدر است بقیه کوه آه کوه تیز آفاق کوه است  
 ۱۵۳ تیز اردیبه پنجم حضرت حیدر حضرت حیدر حیدر است  
 ابان میرزا بیچ کوه است در خطه است  
 ۱۵۴ در جلدی است در ۱۳۸۱ در جلدی حضرت چایسان حضرت حیدر  
 قسم بقیه در حق مشایخ و خطه و خطه حیدر چایسان  
 ۱۵۵ اردیبه پنجم حضرت حیدر چایسان حضرت حیدر چایسان  
 از سافرت حیدر حیدر کوه آه کوه تیز آفاق حیدر تیز آفاق  
 بقیه است و افتتاح کتاب سعادت اهدی اقبال شکر و کوه در این است

صلوات  
 ۱۲۱ برسط جناب آقا میرزا محمد تقی شیراز جناب محمد رضا میرزا باستان حضرت  
 عبد الهیاء در جناب از صفات کسوک در مناجح صحت و بقا و تقا  
 در وقت عالم نماز  
 ۱۲۲ برسط جناب آقا میرزا ادری افغان شیراز جناب میرزا محمد رضا میرزا  
 باستان حضرت عبد الهیاء در صفت لیل عالم و کرامت الاطراف حضرت ابراهیم  
 ۱۲۳ شیراز برسط میرزا محمد رضا میرزا بوشر در کرامت جناب آقا میرزا محمد تقی  
 جواد بیان حضرت عبد الهیاء در عدم وجود آقا در بوشر و امر بنیاد  
 در ایضا تکسوس  
 ۱۲۴ برسط حضرت فیاض میرزا جواد حضرت محمد رضا میرزا حضرت میرزا  
 محمد غایت محمد شایق در حق آقا برسط مسامتت درباره جناب فیاض  
 ۱۲۵ شیراز برسط محمد رضا میرزا جناب محمد علی بن فریدان خان حضرت  
 عبد الهیاء در خصوص کرامت در داد و جود و کرامت قبول حضرت عباسی مرغی مولد  
 حضرت زکی صاحب مغزت در حق اعیان و احوال مشایخ  
 ۱۲۶ شیراز محمد امیر است جناب محمد رضا میرزا محمد غایت محمد تقی  
 در حق مشایخ عالم بنیاد جمله در سرگردانیت آقا در برسط شدن  
 نسبت مخدیه اهل بلد  
 ۱۲۷ شیراز محمد امیر است جناب آقا سعید محمد حسین افغان و قدس له آقا

صلوات  
 ۱۲۸ نظر جناب حضرت عبد الهیاء در حق افغان در ایله مستقیم حضرت شرف  
 در حق حضرت محمد و صفات حضرت عبد الهیاء  
 ۱۲۹ شیراز برسط جناب میرزا باستان حضرت شیخ حضرت محمد نزل  
 مناجات از قوم بنیاد حق تبار در حق مشایخ در سبیل ان صاحب نبیه  
 ۱۳۰ اردبیل بیان در تبار آقا در جناب و عبد بیان طاعت چنان از کرامت  
 مشتمل در اوضاع کرامت آقا در کاشان و در ایله بنیاد  
 ۱۳۱ تبریز برسط جناب آقا میرزا حسین علی سکره اردبیل جناب حیدر  
 کسان حضرت محمد غایت محمد شایق در خصوص کتب تعلیم طلب فضل در حق  
 امیران حق و کلام طایریت در حق آقا  
 ۱۳۲ بخش جناب محمد فیاض نزل مناجات از بر عبد بنیاد آقا و  
 عبد نبیه در حق مشایخ  
 ۱۳۳ اردبیل محمد امیر است جناب کسان حضرت بیان طاعت چنان در کاشان  
 مسکنت این جهان و حمل عرش نبیه در بنیاد حق  
 ۱۳۴ برسط جناب حیدر جناب آقا محمد تقی حسین در صفت کرامت شایق در  
 مناجت شهادت و کرامت حضرت شیخ شهادت بنیاد کرامت آقا در حق  
 ۱۳۵ برسط جناب آقا سعید محمد جناب آقا میرزا محمد فیاض حضرت  
 حضرت عبد الهیاء آقا در حضرت عبد الهیاء و مشایخ برسط از بر عبد

عظیم ابرو در زلف و تخلصات شبیه فرج فرج دامن میگردد  
 ۱۵۵ تیز لودنجه بخار جناب و حیدر ان حضور بیان حضرت عیسیا  
 در صومعه قضای تشریف بعینه که در قدیم تشریف یافتند  
 ۱۵۶ بیروت بخار جناب برینا زلف من (این جناب ابرو که فرج  
 اعاده نموده اند) شش قسم بیانی از حال بزرگوارش آید و چنانکه  
 در قرآنگاه بدانی نامش مثل سخن در ۱۵۷ کتب است که ای بسوگند در منبع قدیم  
 نقل و نقل در تفسیر فرج سوگند دیگری شمر گرفته اند  
 ۱۵۸ بخار جناب که برینا زلف من استغناء حضرت عیسیا در دست  
 گرفته و پشت به صدف و زلف و زلف و جویسکل کشش در پیش  
 مجال آفرین و طلب توفیق و کفایت در تفسیر زلف من  
 ۱۵۹ اردبیل نجف جناب برینا زلف من بیان حضرت علی در دست  
 حضرت عیسیا و زلف و زلف و زلف بر قرآنگاه در ذکر نام حضرت عیسیا  
 در تفسیر آید بجز شرح حضرت و حیدر در ده گیتی را فرزند  
 ۱۶۰ طبرستان جناب آقا برینا حسین بر چهره و وجهی ابرو است  
 بیان نظر چهره است بجز دست کمال خط بر نه دست و زلف من  
 فرموده اند و اینست ما همان مرده حضرت فرج من در دست کف بر نه  
 جناب سیدان من و جناب من و ذکر بیت و چنانچه در سوگند منی

صورت اول در فرج من سوگند دیگر که بر نه فرج و خواجسته تفسیر بیان است  
 ذکره در کتاب است  
 ۱۶۲ نجف جناب آقا ابرو است باغ و جناب آقا موسی در جناب  
 آقا خاتم حسین که برینا زلف من از من ابرو است و با کمال شکر و بگو که خداوند  
 بکمال از دور و بشوید رحمت و قدیم حکمت مفران گریه  
 ۱۶۳ طبرستان جناب ابرو است باغ و جناب آقا حضرت عیسیا  
 بر نه زلف در تشریف بر نه زلف و نام بر نه زلف من در آفرین  
 ۱۶۴ برسط جناب زلف من جناب استوار که بر نه زلف من در دست  
 ایشان در دست از بر نه زلف من حضرت عیسیا در دست  
 ۱۶۵ در تفسیر من استوار و زلف من در دست باغ بیان حضرت عیسیا  
 بیکه چنان است و زلف من در دست با کمال تمام شود و در دست  
 ۱۶۶ طبرستان جناب حضرت آفرین در دست باغ ابرو است و زلف من  
 و تفسیر بیانی سخن تفسیر از زلف من در دست باغ آفرین  
 ۱۶۷ برسط جناب حضرت این حضرت جناب و زلف من باغ زلف  
 بیان حکمت بیان در تفسیر عیسیا برسط نام و اجزاء باغی در دست  
 آفرین در تفسیر عیسیا  
 ۱۶۸ برسط جناب جمال این سید جناب آقا مشهوری ایشان حضرت

۱۷۰۰ برادران محترمین تو را عمل کن... گویند که شکران است که تقسیم شد  
 و آن است. امیدوارم که در تقسیم شکران در راه و گریه...  
 ۱۷۰۱ در خط جناب سرپرست مدد جناب شاد و خرم و صاحب حسن خلق  
 تقییر تمام بیاق آنی از مشایخ است که بخت دولت لغزش نسبت به است...  
 ۱۷۰۲ بخار جناب تقسیم رده و از اخواه واد و پند جناب بیاق...  
 بر گاه حضرت تقی بیجا است طلب پند بخت لغزش در گاه  
 ۱۷۰۳ در خط جناب که تقسیم آخری آقا محمد رضا من اهل ک آقا آقایی  
 شایسته حضرت عبد الهی. از اخواه به بخت ده ای امید و شایسته حضرت...  
 ۱۷۰۴ بخار به پند واد و در بیان جناب که با بد تقسیم شهادت تمام بیاق  
 بیگانه و آقایی طلب تا پند در حق مشایخ  
 ۱۷۰۵ خط بخار جناب آنی منزلت شایسته از برادران حضرت...  
 و طلب تا پند در حق بیان در راه حضرت در حق مشایخ مدین الهی  
 ۱۷۰۶ در بیان بر خط جناب این جناب خط و پند و جناب تقسیم بین  
 و پند به شکران خط عذرت از تمام بیاق حضرت حضرت و طلب  
 حاصل آمل است مشایخ  
 ۱۷۰۷ بر بزم آوردند بخار به پند و در سلسله صبیح آه تقسیم ایام  
 ترک خط کرم حضرت عبد الهی. در حق مشایخ

۱۷۰۸ در خط حضرت شکران به پند تمام نسبت تمام بیاق  
 بخت رحمت آن در ذوال از سخن ناله بچشم آنی  
 ۱۷۰۹ خطی آید بخار به پند از خط انچه از خط در خط در خط  
 و پند به خط رقیه که لطف کرم حضرت عبد الهی در حق مشایخ  
 ۱۷۱۰ بخار به پند خط در خط تقسیم تمام بیاق در حق مشایخ  
 بخت محکم صاحب کسب آنی در پند و پند در خط حضرت از آن  
 ۱۷۱۱ بیان تا پند همین تقسیم رقیه تقیر حضرت عبد الهی  
 از مشایخ بخت محکم تا در کسب حضرت کرم  
 ۱۷۱۲ بر بیای به پند عمر نبی سینه سندان حضرت در خط خط  
 نیز تمام و پند و مردم نویش بخت ن مردم شکران که در اخواهی آنی تمام  
 فضل و رحمت از برادر بیاق حضرت حضرت و طلب پند در حق آنی  
 ۱۷۱۳ بخت و خط کمال لطف به حضرت بیاق آنی پند در خط  
 بیخون حضرت شوق  
 ۱۷۱۴ بخار جناب آقا لطف به حضرت عبد الهی و پند از برادر  
 بیگانه و نداد که از در تقسیم کسان شکران  
 ۱۷۱۵ بیان ای بند آقایی بین حضرت پند بخت هر چه آن بند آقایی  
 بخت هر پند و بخت برادر است.

درد مطهره نظر نسبت نعم بیان شد زیرا از صورت و شرف کبریا  
حضرت

سفرت بخت ایوی برنگد

۱۵۱ بخت رحمت جناب حسین ابن علی علیه السلام که آقا محمد باقر علیه السلام

نظر حضرت حضرت عباس علیه السلام در حق پدرش زید علیه السلام بود که

۱۵۱ ط بخت جناب آقا بن ابوبکر ابن محمد آقا محمد نظر حضرت شیخ

آقای در حق پدرش زید علیه السلام که آن پسر برادر بود که

۱۵۱ بخت جناب حسین علیه السلام که در سینه اش چنان ای ای بود که در حضرت علی

سفر و منزل حق و غوی چه

۱۵۱ بخت رحمت جناب آقا محمد نظر حضرت عباس علیه السلام در حق

پدرش زید علیه السلام که در سینه اش چنان ای ای بود که

۱۵۱ بخت رحمت جناب آقا محمد نظر حضرت عباس علیه السلام در حق

پدرش زید علیه السلام که در سینه اش چنان ای ای بود که

۱۵۱ بخت رحمت جناب آقا محمد نظر حضرت عباس علیه السلام در حق

پدرش زید علیه السلام که در سینه اش چنان ای ای بود که

۱۵۱ بخت رحمت جناب آقا محمد نظر حضرت عباس علیه السلام در حق

پدرش زید علیه السلام که در سینه اش چنان ای ای بود که

۱۵۱ بخت رحمت جناب آقا محمد نظر حضرت عباس علیه السلام در حق

پدرش زید علیه السلام که در سینه اش چنان ای ای بود که

حضرت بعد از اقبال صلوات الله تعالی علیها منتهی السلام حق شکر شود  
چنین

۱۵۴ بخت جناب حسن علیه السلام که در حق پدرش زید علیه السلام بود که

۱۵۴ بخت جناب آقا محمد نظر حضرت شیخ

آقای در حق پدرش زید علیه السلام که آن پسر برادر بود که

۱۵۴ بخت جناب حسین علیه السلام که در سینه اش چنان ای ای بود که

۱۵۴ بخت رحمت جناب آقا محمد نظر حضرت عباس علیه السلام در حق

پدرش زید علیه السلام که در سینه اش چنان ای ای بود که

۱۵۴ بخت رحمت جناب آقا محمد نظر حضرت عباس علیه السلام در حق

پدرش زید علیه السلام که در سینه اش چنان ای ای بود که

۱۵۴ بخت رحمت جناب آقا محمد نظر حضرت عباس علیه السلام در حق

پدرش زید علیه السلام که در سینه اش چنان ای ای بود که

۱۵۴ بخت رحمت جناب آقا محمد نظر حضرت عباس علیه السلام در حق

پدرش زید علیه السلام که در سینه اش چنان ای ای بود که

۱۵۴ بخت رحمت جناب آقا محمد نظر حضرت عباس علیه السلام در حق

پدرش زید علیه السلام که در سینه اش چنان ای ای بود که

۱۵۴ بخت رحمت جناب آقا محمد نظر حضرت عباس علیه السلام در حق

پدرش زید علیه السلام که در سینه اش چنان ای ای بود که

۱۵۴ بخت رحمت جناب آقا محمد نظر حضرت عباس علیه السلام در حق

صفحه ۱۷۹ برسط خدا سگانه لطف به ضیعت حضرت مراد  
 بشما رسید در صدمه زهر درگشت برین و زید پیشان بشمولان ایست آنچه  
 ۱۸۰ برسط جناب بن جناب میرزا مهدی و میرزا عبدالعزیز اردکانی  
 آنچه در وقت بیکل بنوق از ده بیج سرگشت برود نامرنگی در قفس و در وقت  
 بخواب با قرف  
 ۱۸۱ شایسته حضرت عبدیه و دیگران که در طلب حضرت در حق درگاه  
 خدا سگانه لطف به عبدیه  
 ۱۸۱ فلان برسط جناب دومی میرزا عبدیه جناب میرزا لطف شاد  
 تا ترمیق آتی از تحمل زحمت شاد بود در صفت این مقصود و هم  
 رفیق بنایت برسط انصاف آن در حق  
 ۱۸۲ برسط زائر عبدیه در جناب آن مقام به جناب که بر غیر عزایت  
 منظر حمودیت در حق شاد بود به طلب نایب  
 ۱۸۲ برسط حضرت ابن ابراهیم کاشان جناب به بر تقدیر بیکل بنوق  
 از شاد بود به طلب نایب  
 ۱۸۳ جناب به شاد بود در آن آتای شاد عبدالمطلبی که در وقت حضرت  
 عبدیه و در حق شاد بود  
 ۱۸۳ آنچه در شاد بود به طلب نایب بنوق بنوق در وقت حضرت

صفحه ۱۸۰ چشم رسال حاصل عزایت که در آن ای تحمل زحمت در شاد  
 ۱۸۱ در برین است  
 ۱۸۴ آنچه آتای که برین صحت جان در شاد که در آن کز زده است  
 که در وقت آتای نایب بود در شاد که در نیم نایب  
 ۱۸۴ برسط آتای سید سبطی آنچه در شاد که در آن کز زده است  
 عهد قدیم آتی در وقت به هم علم در آن کز زده است  
 ۱۸۵ برسط شاد که در وقت شاد که در آن کز زده است  
 که در وقت حضرت عبدیه و میرزا عبدیه در وقت حضرت در آن کز زده است  
 ایران که گوی سبقت از اماره که برین  
 ۱۸۵ فلان برسط به شاد که در وقت شاد که در آن کز زده است  
 شاد عبدالمطلبی که در وقت شاد که در آن کز زده است  
 بکلیت دولت زعفران در شاد که در آن کز زده است  
 ۱۸۷ بدین میزان شاد که در وقت شاد که در آن کز زده است  
 ترمیق شرقی از آنکه  
 ۱۸۷ طبع شاد که در وقت شاد که در آن کز زده است  
 عهد به شاد که در وقت شاد که در آن کز زده است  
 ۱۸۸ برسط جناب بن جناب به شاد که در وقت شاد که در آن کز زده است



صفحه پنجم  
 ۲۱ بخند جناب آقا سید سید الله بهر یک بیانی از اول انجمن خویش  
 شد از این مراجع عظیم و رسیده بکشت ایشان  
 ۲۲ در تفسیر انجمن جناب آقا سید سید الله میان حضرت شیخ راجح  
 مسموم در اول صبح که بکشت بفرمان بیضا نقل شد پس ایشان که گفت و تحقیق که  
 چو کوی امر از جناب شیخ راجح و امر بفرموده ای با جماع کبک  
 ۲۳ در تفسیر انجمن جناب آقا سید سید الله امر حضرت عبد الله بن ابی  
 در کتب فراخ در شیخی با مینا چه شد به جمع قریش و در ذیل صبح سبک کبک  
 در ذیل چهاردهم  
 ۲۴ بخند جناب آقا سید سید الله بیان حضرت عبد الله در کتب کتب  
 نه در روزنامه که چون کتب را اجمال بعد از حدودش در کتب گردید  
 امر حضرت در این خصوص  
 ۲۵ بخند جناب آقا سید سید الله بیان شیخ ابی و در جماع کتب که  
 بفرمان شد از این مفسد ایشان  
 ۲۶ در بیان بزرگان مناجات نظر حضرت بگاه حضرت حضرت در باده  
 در مایه آن  
 ۲۷ بخند جناب آقا سید سید الله سخن قوم بیانی از عدم فرصت تجویز  
 بعد از اول و تقسیم عزیمت بگوشه و کعبه فریاد

صفحه ششم  
 ۱۹ بفرمان (ای غم مخ) فریغ حضرت عبد الله بن ابی در عدم  
 تفرقه بجهت دیگر بکشت ایشان نسبت برآمد در بیانی و در حدیث  
 در حدیث که بکشت معنی بود  
 ۲۰ بخند جناب سید سید الله در تفسیر بیانی قوم از سبب در مایه  
 در مایه امر و تفسیری در جماع کتب است  
 ۲۱ در تفسیر در مایه جناب آقا سید سید الله در حدیث  
 بعد از این است از سبب اول اطلاق و در ذیل صبح امر بکشتن تو بهایم از  
 از حدیث است که در کتب است  
 ۲۲ در ذیل کتب جناب آقا سید سید الله در حدیث  
 حدیث در حدیث این بیان است مایه نقل اول در حدیث برانند ۱۰۰ این حدیث  
 میان کتب است که در حدیث است در حدیث نقل در حدیث  
 نسبت به ۱۰۰ که ایشان در نقل حدیث است و اصل شود و در حدیث است  
 مشتمل بر دو انباء از حدیث در حدیث نقل در حدیث  
 ۲۳ در حدیث کتب جناب آقا سید سید الله در حدیث  
 حدیث است که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است  
 ۲۴ در تفسیر انجمن جناب آقا سید سید الله انجمن بیانی از عدم فرصت تجویز  
 عزیمت حضرتش مصر

صفحه پنجم پنجاه جناب میرزا احمد بن محمد مستوفیان در مطول فصل رسالت می  
وقت دوازده ساعت و بیست و نه

۲۱۴ برتجدیه برهبط جناب آقا محمد خاکی آقا سید سید بنده از حضرت  
من اراده شد بشا زید پانزده لوح سبک تمام تالی و قرض گشتی  
فداداد در زمین شین دو عالم در کتب نهی

۲۱۵ برتجدیه پنجاه جناب آقا سید سید بنده از حضرت عبد الله کاتب  
پهل الاصح سبک که مقصد و عدم جواز نمودن کاتب آقا میرزا عبد علی

۲۱۶ برتجدیه برهبط جناب آقا محمد جناب آقا سید سید بنده کلام عیادت  
حضرت عبد الله در حق شایر و بعضی شهادت حضرتش شرف لغات شد و  
خطای ای شب در روز و نقد عزت بگفتند

۲۱۷ پنجاه جناب آقا سید سید بنده بین بیاق آقا محمد حسن صاحب  
در جامع علمی امداد و امر اجاب آنچه در راه بگفتنش همت بره که آید  
حرف و بیخ بر ایام

۲۱۸ برتجدیه پنجاه جناب آقا سید سید بنده از حضرت عبد الله امیر  
در احوال سفر و تعیین ارسال و در پیشگاه فرجهت مشرف اادکار  
۲۱۹ پنجاه جناب سید محمد بن حضرت من طرف خلافت امانه در حضور  
تاسه بقدم تقاضی و قرض گشتی؟ کفر و

صفحه ششم پنجاه جناب سید سید بنده از حضرت عبد الله امیر در  
ارفاق شجره نفعی بفرست

۲۲۰ برتجدیه پنجاه جناب آقا سید سید بنده بین همت جان در  
صدقه لوح هفت فقرت در اینه سوره شریفی در ضمن امر بشا در اول کتبت شد

۲۲۱ برتجدیه پنجاه جناب آقا سید سید بنده نامه مکتوب بیاق مشایخ  
در شرح احوال مکاتبات و اشیاع زمین جز مشایخ جناب شادان حضرت  
۲۲۲ برتجدیه پنجاه جناب آقا سید سید بنده میان همت جان در  
عزایان بندگی که برهبط مشرفی کاتب استیفاء از شایخ

۲۲۳ پنجاه جناب سید محمد حسین جان حضرت عبد الله در عدم  
تصرف مشایخ دام بر احوال لوح مبارک احوال محترم

۲۲۴ برتجدیه پنجاه جناب آقا سید سید بنده طاعت بیاق در اول  
مشایخ و سبزه رخا دار و دارا شاد و بکار عزت سید و ادا بفرمایند

۲۲۵ پنجاه جناب آقا سید سید بنده خدایات حضرت عبد الله  
حضرت محمد و طلب آید در راه مشایخ  
۲۲۶ درون عمران نهادهت ضمن در راه بقا بیکاه حکایت لغت  
و طلب آید در حق و لوح  
۲۲۷ تقاضی پنجاه جناب آقا سید سید بنده کلام عیادت حضرت

صلح  
 ۱۲۱) نجف رجب و بی از حضرت عبدها و بشا زید یک شخص محترم  
 را قاتل کرده و بایشان گویا آنچه که در حای دیر شنیده و خبر ادم چیزی  
 نیست  
 ۱۲۲) پیچید نجف رجب تا سید سید بن یثیق آبی در خصوص فریاد  
 طلب برسط نذله جنس  
 ۱۲۳) نجف رجب آن سید سید بن یثیق حضرت عبدها و باج در اول  
 در پیچید کس لوح از آن تم می و کس حضرت حسن شد اول  
 ۱۲۴) نجف رجب تا سید سید بن یثیق از حضرت عبدها و بشا زید قطع  
 با سید و کس بنی  
 ۱۲۵) نجف رجب تا سید سید بن یثیق حتی قید یکدیگر کس خرق  
 تقسیم سید با بی فضل پیر کس که بنی سید سید  
 ۱۲۶) شهادت نظر عبودیت بلکه حضرت اعدیت ذایف بی  
 و کجا و بی بی بی در کس  
 ۱۲۷) نجف رجب کس بنی حضرت عبدها و در خصوص عدم کسان  
 کس است مستند در علم و نام و نام کس است  
 ۱۲۸) بدین زمان بیان حضرت عبدها و در خصوص سید اعلیٰ در جم  
 سیدی عبدها و امر با قطع شد هیچ وقت هیچ و بی هیچ در ذریع

۱۲۹) حضرت اعدیت جناب علی شهادت کس لوح وزیر در ذریع  
 از کس جناب علی در غیر خواهی از شخص محترم و نام در ایف بی  
 دولت وقت و ایضا در غیر لوح سادات و کس شهادت حضرت اعدیت  
 یکی در بیرون دایره و اجده در کس و در قطره قطره شدن در فراد  
 بیان در غیر بی کس بی کس  
 ۱۳۰) نجف رجب و بی بنی حسین از حضرت بنی ابی و بی کس  
 شخص سزده و کس بدین اعدیت حضرت اعدیت کس که در ایف بی  
 نفس کس و جناب از کس بی کس  
 ۱۳۱) بنیان شخص محترم ایضا از حضرت عبدها و از کس طرب و کس  
 شاد و دایره کس کس  
 ۱۳۲) برسط جناب بی کس در دولت ابی کس اعدیت تم بی کس  
 در حق آن و امر بی کس از رضای تم بی و کس بی کس  
 ۱۳۳) ایضا در بی کس دولت ابی کس بی کس آن در کس کس  
 در کس کس بی کس آن سزده و کس کس کس کس کس کس  
 اعدیت بی کس کس کس  
 ۱۳۴) برسط جناب کس کس کس بی کس بی کس کس کس  
 بیان علمت بی کس در کس کس و کس کس کس کس کس کس کس

در حق شایسته و در ذیل مع خطاب باک که در حق بیگانه است  
 بیگانه است و در استخوان ایشان از شر خدا رسد  
 ۲۱۱ برتیب به خود جناب آقا سید سید شه لایزال صاحب  
 سفیرت نزل از خرم بیاق در حق مرحوم میرزا بهلول نام نهی و نهاده  
 از حضرت حضرت حکیم بی  
 ۲۱۲ برتیب به خود جناب آقا سید سید شه بیان شکل بیاق در اول  
 نظم و آواز حضرت بعد از آنکه افتاد  
 ۲۱۳ برتیب تقدیر خرم بیاق از حضرت نام نهی بخت و انگلیس  
 مع کتبی برتر حضرت حج و شمس و همچنین انگلیسی خانه برهط آقا خرم  
 دار کربلای نجف و برهط اراک و کار لرکی وزیر انور سید سید شه  
 جناب شاه و همشیره نادرش  
 ۲۱۴ برتیب به خود جناب آقا سید سید شه تفسیر خرم بیاق از دیوانی شایسته  
 و در دنیا مدی جناب نام نهی بخت و نهاده رضا از خرم بیاق در حق شایسته  
 ۲۱۵ برتیب جناب آقا سید سید شه بیان هفت جان در انور سید سید  
 بات نام نهی سید شه  
 ۲۱۶ برتیب به خود جناب آقا سید سید شه تقدیر حضرت سید سید  
 در شایسته برهط ضابط و نهی نام جناب لایزال در کتب

صفح  
 ۲۱۷ برتیب به خود جناب آقا سید سید شه بیان هفت حضرت  
 مشر بر ذیل جناب سید سید دار کربلای المع باک که برتیب  
 ۲۱۸ برتیب به خود جناب آقا سید سید شه نزل صاحب از خرم بیاق  
 حضرت نیرم در آن شایسته طلب آید و در ذیل مع باک از خرم  
 از نه دشت و نهی و نهی در جوانی عدلی از احوال نهی  
 ۲۱۹ برتیب جناب حسین ابن جناب خرم بیاق من اهل کتبی از خرم بیاق  
 بیاق صاحب نزل بیاق و در ذیل مع باک که  
 غایت در حق دالیه شایسته و نهی در ذیل آن که در کتبی در آن  
 ۲۲۰ برتیب جناب آقا سید سید شه حضرت حسن برهط کتبی نیران  
 آقا احمد را کرده و در سفر آید که با صری رفته اند که چرا در حرف گفته  
 در کتبی کتبی نیر سید و در ذیل مع باک که برتیب جناب خرم بیاق  
 ۲۲۱ برتیب به خود جناب آقا سید سید شه بیان حضرت عبد بهمن در خرم بیاق  
 شعر اول و نهی بات نجف میره  
 ۲۲۲ برتیب جناب آقا سید سید شه بیان حضرت من صاف حلاقی  
 در خصوص صدم جواد شرفی و فرخ با جناب حج تقی و در حق  
 بهادک و در کربلای شکی خرم نزل و در حضرت خرم بیاق برتیب آقا خرم  
 از سفت و کتبی

مردی که حال عمران آن را که بهر وقت لغت میست  
 ۲۱۰ بشار جناب شهاب دین فتح عظمی در کتب  
 عهدیه در دست ایشان  
 ۲۱۱ در بطل آه میزد حسین خلی حضرت سید آیدستان جناب  
 شهاب طبر حیات طهر عهدیه در حق شادریه طلب مفر و غفران در آن  
 تصاصه آه آه میر جیب

۲۱۲ در بستان بکف رجب بزانه سلسله سید حسن حضرت  
 فتح عظمی در دست حضرت جنابی که خبر شغل آقا اهلان در کتب  
 اصنافی زیند واریگان در بستان در کتب دولت و تقوا یا آن در کتب  
 ۲۱۳ طمانی بشار جناب سید شهاب طهر حیات حضرت عبد الباق  
 بش در کتب بکف نعل برضای آه سلسله  
 ۲۱۴ در بطل جناب آه تحفه از اهل کت آقا حسن آه در دست حضرت  
 طهر حیات نعمتین در حق آن و در کتب کت است و در ایست در حق و  
 در آن با فرسح مجاور

۲۱۵ در بطل جناب آه میزد شهاب برده حضرت شهاب حضرت عبد الباق  
 این جان جان افرا اهل عزمانه لا... در کتب هر تخری در کتب  
 ترقی از کرده و سیر در کتب آه دست حضرت ابلی بنیض غلام کت

طراوت و لطافت به منقش این

۱۲۴ در بطل حضرت سید شه الهدی اردستان جناب آه حسن  
 خادم جناب شهاب طهرت جان بش در بکف از دست اهلان بکس  
 سیدل مرشد در آقا و بنیض الهی در کتب جناب سیدگان  
 ۲۱۵ در بستان در بطل جناب با جناب سلسله سید فتح عظمی  
 خیر نسیم جنابی از خرافات مدعیان و ادعیه بنیض بر بستان

سیدل مرشد  
 ۱۲۶ در بشار جناب سیدان کردا شکو حضرت عبد الباق در کتب

در در و درم مجال در تخریب جناب  
 ۲۱۷ در بستان آیدست در کتب آه لطف در کتب حضرت عبد الباق  
 ۲۱۸ در بطل جناب در کتب جناب سیدان در کتب جناب سیدان  
 بیاق در کتب در دست در دست در کتب الهی است

۲۱۹ ط با بشار جناب سیدل مرشد سیدان عظمی الهی در کتب سیدان  
 اعظم بکف در کتب در کتب آن بر خدای بنیض در کتب که ای از آن

۲۲۰ با بشار است در کتب در کتب جناب سیدل مرشد سیدان حضرت عبد الباق  
 بش در کتب در کتب سیدگان در کتب آن در کتب در کتب در کتب  
 ۲۲۱ ط بشار جناب سیدل مرشد سیدان حضرت سیدان در کتب سیدان

صفت دست بلند اولی جنس ساند و بر خود دایمی مشاوری است  
صفت  
رعد

۲۵۰. نجات حضرت از یار عشق حضرت اقدیس بکت طرح  
الیه نیز با اثر نفسی باشد.

۲۵۱. برهله حضرت جسدی که طوان در زلزله جناب نیز ازین اثر  
نصیح کلمه است صدای شریفی باشد که تمام شیای و حبس حضرت  
در حق منتی باشد

۲۵۱. برهله جناب محمد بن طوان است که در هر جمیع من عروج الیه  
نفسی باشد بقدر عشق از مشاوری بجهت سکوت که میل و نافرمانی  
از او در برهله و عقل صبر

۲۵۲. برهله جناب آقا میرزا علی حسین زاده طوان جناب که نامیزد از  
آقا میرزا بنی خان بیان عشق این دست مبارک و در جملگی است  
نار الکی در عیب یاران هدایت هدایت

۲۵۲. طوان برهله بهی نیز با اثر جناب نیز با بنی خان که  
عزیمت مظهر عمودیت در حق مشاوری و طلب حضرت در این

۲۵۲. برهله جناب زاده آقا ضامن حسین طوان جناب نیز با بنی خان  
علقت جهان باین بیان اصلی را که در عزیمت باشد . . . چون بارگذاشته

صفت  
شده دل جهان بکل دریا صبحی آمل برین گردد . . .

۲۵۴. طوان کتب در جناب نیز با بنی خان منزل مشاهدات از برآمد  
حضرت عبدالمطلب و طلب حضرت که آن مشاوری

۲۵۵. طوان کتب در جناب نیز با بنی خان منزل مشاهدات از برآمد  
سفر اصفهان

۲۵۵. طوان کتب در جناب نیز با بنی خان منزل مشاهدات از برآمد  
بان قرا باقی تولد عزیمت . . . در هر گاه جمال نسیم در حق  
لا اله الا الله و کلمات را حکمی برود صفا برید و خدایه محمد بن محمد  
محمد . . . آن معانی الیمیم بجهت در شرح بر در کتب است . . .

۲۵۵. برهله جناب میرزا بنی خان ای ۴۴ سپیدان پرست الکی طوان  
حضرت عبدالمطلب یا امیر یا ان الکی از اخلاق از غراب نوح و سب  
نایع در حق کوه

۲۵۶. کتب در جناب محمد بنی ختم آدوی ذکر حضرت عبدالمطلب از تزیین  
شخص از کتب نیز آفاق و خواندن مشاوری و هدایت جمل کتب مشاوری  
۲۵۶. در محمد بنی خان جناب نیز با بنی خان حضرت من طائف حد آدوی  
این کتاب شریف تولد عقل ذکر . . . و در دست سینه یک کتب هم  
مرقم مطابق این رقم است در حق ذکر کتب کتب من انقوش

صفحه پنجم  
 بجزایر بحر را از قوت آن مطهر در صد و گنم ناپید  
 ۲۵۹ ط نجف از جناب میرزا نجی خان بیان یکی شایق که مخصوص تنگی چون  
 ذکر دوستان آبی شده خاطر زده بر بعد در طلب آید  
 ۲۵۹ بیان عزیزی جناب مرقم غیبی در وقتا به روح حمل کرده و در عالم  
 اقل و بگفت از وی و بشماره پنج هدایت نماید از غیب و تفریق نفسین  
 ثبت است  
 ۲۶۰ ط نجف از جناب میرزا نجی خان بیان حضرت عبد الهیاء در خصوص تنگی  
 بخدمت آستان ابراهیمه و بخدمت اسماعیلیه حقیقت آید  
 ۱۹۱ ط نجف از جناب میرزا نجی خان حضرت عبد الهیاء این بیان از علی  
 ناطق قول نقل برانند . . . حضرت مرقم غیبی صورت زود کرد  
 بیست چهار سال نهاد و نورش چون شمشیر بود هر نفسی بنگر و نفاذی  
 در خاکت . . .  
 ۲۶۲ ط نجف از جناب میرزا نجی خان را در آن چهار بیان حضرت عبد الهیاء  
 احاطه بر فضیلت آید بی نام وجود و در تمام اجناس اولاد مرقم باشد آید  
 دریت آید  
 ۲۶۳ ط نجف از جناب میرزا نجی خان بر سردی بیان حضرت عبد الهیاء  
 در خصوص اشتغال حضرتش بیاد دوستان آنگی و طلب آید هیچ آید

صفحه ششم  
 است مان کس حضرت نبدان  
 ۲۶۳ ط نجف از آنکه نفع جناب مرقم غیبی تقییر مرقم شایق از مشایخ  
 نقل رحمت و رغبت حضرت مرقم  
 ۲۶۴ ط نجف از جناب میرزا نجی خان در بیان حضرت عبد الهیاء اینها  
 کلمات آید از آنکه قول نقل برانند لا یمم آنچه بکلیف مردم در بیان  
 قدرت در دفع بر عهد و بیان جمال قوت لبان مرقم آید قوت شایق  
 در غسل برود و لغای جن آید . . .  
 ۲۶۵ مرقم ط نجف از جناب مرقم غیبی ح امر حضرت غیبی در خصوص  
 در سبیل مکت آید  
 ۲۶۵ ط نجف از آنکه نفع جناب مرقم غیبی از بر عهد مرقم حضرت مرقم  
 در طلب آید در حق اجاره  
 ۲۶۷ بر خط جناب جناب میرزا نجی خان در صد و آنکه از آنجا حضرت  
 عبد الهیاء این کلمات از آنکه نفع مرقم قول نقل برانند لا . . . بساط  
 باقی در تمام آنگی باور مرقم غیبی در در برده تفریق از جهان بیان مرقم  
 از آنکه مرقم غیبی در حق مرقم است و آنکه مرقم غیبی در حق مرقم غیبی  
 مرقم غیبی در حق مرقم . . .

از آنکه مرقم غیبی  
 در حق مرقم غیبی